



## رویارویی امام سجاد(ع) با جریان های انحرافی و فشارهای سیاسی

شیوه های برخورد امام سجاد(ع) با جریان های مختلف فکری و فرهنگی ...

شیوه های برخورد امام سجاد(ع) با جریان های مختلف فکری و فرهنگی

از تلاشهای امام سجاد(ع)، که هم جنبه دینی داشت و هم سیاسی، توجه به قشری بود که بخصوص از زمان خلیفه دوم به بعد و مخصوصا در عصر امویان، مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی بوده و از محرومترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به شمار می‌رفتند.

علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب، مشهور به سجاد(ع)، چهارمین امام(ع) شیعه است که بنا به قول مشهور در سال ۳۸ هجری متولد گردید و در سال ۹۴ هجری (۱۲ و یا به روایتی ۲۵ ماه محرم) بوسیله سمی که از طرف "ولید بن عبدالملک" به او داده شد، به شهادت رسید. بدین ترتیب آشکار است که امام(ع)، بخشی از حیات امام علی(ع) و نیز دوران امامت امام مجتبی و امام حسین(ع) را درک کرده و ناظر تلاش معاویه برای تحت فشار گذاشتن شیعیان در عراق و دیگر نقاط بوده است.

گفته می‌شود که حضرت زین‌العابدین(ع) در کربلا مریض و در بستر بودند و به همین علت در جنگ شرکت نکرده‌اند.

دوره‌ای که امام سجاد(ع) در آن زندگی می‌کرد، دورانی بود که همه ارزشهای دینی توسط امویان دستخوش تحریف و تغییر قرار گرفته و مردم یکی از مهمترین شهرهای مذهبی اسلام یعنی مدینه، می‌بایست به عنوان برده یزید، با او بیعت می‌کردند. احکام اسلامی بازیچه دست افرادی چون ابن زیاد، حجاج و عبدالملک بن مروان بود. حجاج، عبدالملک را مهمتر و برتر از رسول الله(ص) می‌شمرد! و با اندک تهمت و افترا برای مردم را به دست جلادان می‌سپرد و در سایه چنین حکومتی آشکار است که تربیت دینی مردم تا چه اندازه تنزل کرده و ارزشهای جاهلی چگونه احیا خواهد شد.

امام سجاد(ع) در این شرایط، انسانی اهل عبادت بود که مهمترین تاثیر اجتماعی ایشان در ایجاد پیوند مردم با خدا به وسیله "دعا" بود. شخصیتی که همه مردم تحت تاثیر روحیات و شیفته مرام و روش او بودند. بسیاری از طالبان علم، راوی احادیث او بودند و از سرچشمه پرفیض او، که برگرفته از علوم پیامبر(ص) و علی(ع) بود، بهره می‌جستند.

آن حضرت در دادن صدقه و رسیدگی به محرومین نیز زبانزد بوده و پس از شهادت ایشان معلوم گردید که صد خانواده از انفاق و صدقات او زندگی می‌کرده‌اند. به نقل امام باقر(ع)، امام سجاد(ع) شبانه، نان بر پشت مبارکش گذاشته و در تاریکی شب برای فقرا می‌برد، و می‌فرمود: صدقه در تاریکی شب، آتش غضب خداوند را خاموش می‌کند.

### امام سجاد(ع) و شیعیان

در واپسین روز واقعه کربلا، شیعیان در بدترین شرایط، از لحاظ کمی و کیفی و نیز موقعیت سیاسی و اعتقادی، قرار گرفتند. کوفه، که مرکز گرایشهای شیعی بود، تبدیل به مرکزی جهت سرکوبی شیعه گردید. شیعیان واقعی امام حسین(ع)، که در مدینه و مکه بوده و یا موفق شده بودند که از کوفه به او ملحق شوند، در کربلا به شهادت رسیدند. گرچه بسیاری هنوز در کوفه بودند، اما تحت شرایط سختی که ابن زیاد در کوفه به وجود آورده بود، جرات ابراز وجود نداشتند.

کربلا از نظر روحی شکست بزرگی برای شیعه بود و بظاهر این‌گونه مطرح شد که دیگر شیعیان نمی‌توانند سر برآورند. تعدادی از اهل بیت(ع) و در راس آنها امام حسین(ع) به شهادت رسیدند و تنها یک نفر از فرزندان ذکور امام حسین(ع)، از نسل حضرت فاطمه(س)، باقی مانده بود و زندگی امام سجاد(ع) در مدینه و دور بودن از عراق فرصت هدایت جریانات شیعی کوفه را از امام(ع) گرفته بود.

در چنین شرایطی که تصور نابودی اساس تشیع وجود داشت، امام سجاد(ع) می‌بایست کار را از صفر شروع می‌کردند و مردم را به سمت اهل بیت(ع) متوجه می‌کردند و امام(ع) در این راه موفقیت زیادی کسب کردند. این موفقیت در تاریخ تایید شده است. زیرا امام سجاد(ع) توانست شیعه را حیاتی‌نو بخشد و زمینه را برای فعالیتهای آینده امام(ع) باقر و صادق(علیهما السلام) فراهم کنند.

تاریخ گواه است که امام سجاد(ع) در طول سی و چهار سال فعالیت، شیعه را از یکی از سخت‌ترین دورانهای حیات خویش عبور داد. دورانی که جز سرکوبی شیعه به وسیله زبیریان و امویان، نشان روشنی ندارد. تنها جهت گیری روشن بیست سال حاکمیت حجاج بر عراق و سلطه عبدالملک بن مروان بر کل قلمرو اسلامی، کوبیدن شیعیان، و در بخشهایی دیگر کوبیدن سایر مخالفان امویان، ام از خوارج یا شورشیانی چون عبدالرحمان بن محمد بن اشعث بود. زیرا حجاج کسی بود که شنیدن لفظ کافر برای او بسیار آرام بخش‌تر از شنیدن لفظ شیعه بود.

در این سالها دو نهضت شیعی در عراق رخ داد که هر دو - علی‌رغم موفقیت موقت یکی از آنها - با شکست مواجه گردید. پس از آن نیز شیعیان با شدت هر چه تمام‌تر مورد تهدید امویها، از قتل و شکنجه و زندان، قرار گرفتند.

امام(ع) پس از حادثه کربلا دریافت بود که امکان احیای این جامعه مرده با در دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد. به علاوه درگیر شدن در یک حرکت سیاسی دیگر، با وجود قدرت دیگر احزاب، خطراتی را در پی داشت که به ریسک کردن آن نمی‌ارزید. به همین دلیل، ماهیت حرکت امام(ع) در دوران امامت آن حضرت، بخوبی نشان می‌دهد که حرکت امام(ع) تنها یک حرکت سیاسی نبوده و در بسیاری از موارد به وضوح، برکنار از سیاست به معنای مشخص فعالیت سیاسی بوده است.

#### امام(ع) و غلات

در این دوره از تاریخ اسلام برخی نیز در دوستی اهل بیت(ع) از حد گذشتند که امام(ع) در مورد آنان می‌فرمایند: کسانی از شیعیان ما، تا آن اندازه در دوستی ما افراط می‌کنند که نظیر سخنان "یهود" و "نصارا" درباره "عزیر" و عیسی(ع) درباره ما می‌گویند. نه آنها از ما هستند و نه ما از آنها هستیم.

#### امام(ع) و بقای شیعه

امام سجاد(ع) موفق به بقای شیعه و حتی گسترش آن گردید. روش فقهی آن حضرت، نقل احادیث پیامبر(ص) از طریق علی(ع) بود که شیعیان تنها آن احادیث را درست تلقی می‌کردند. بدین صورت شیعه اولین قدمهای فقهی خود را در مخالفت با انحرافات موجود برداشت، گرچه بخش اعظم این کار به زمانی پس از آن موکول گردید.

امام سجاد(ع) در وقت گفتن اذان، جمله &#171;حی علی خیرالعمل« را در آن می‌آورد. وقتی مورد اعتراض قرار گرفت فرمود: اذان نخستین به این صورت بود. اضافه بر آن، برکناری از انحرافات عراق موجب حفظ مبانی اعتقادی اصیل شیعه در برابر انحرافات گردید. علی‌رغم تلاشهای مهم امام(ع)، که البته موجب بقای شیعه گردید، مدینه به خاطر کج رویهایی که از صدر اسلام در آنها نهاده شده و علیه شیعه تحریک شده بود، جای مناسبی برای رشد شیعه نبود و امام سجاد(ع) می‌فرمود که دوستداران واقعی آنها در مکه و مدینه به بیست نفر نمی‌رسد. در حالی که در عراق افراد بیشتری وجود داشتند که به آنها علاقمند بودند و می‌فرمودند که &#171;شیعیان وفادار و اشخاص معتقد ما در مکه و مدینه بیست نفرند. گرچه هواداران سیاسی بسیار زیاد بودند«.

#### برخوردهای امام(ع) با امویان

اولین برخورد امام(ع) با جریان انحرافی حاکمان اموی پس از واقعه کربلا در رویارویی با عبیدالله بن زیاد بود. وقتی ابن زیاد نام او را پرسید. امام(ع) خود را علی معرفی کرد. ابن زیاد گفت مگر خداوند علی بن الحسین را نکشت؟ امام(ع) پاسخ داد: برادری داشتم که مردم او را کشتند. ابن زیاد گفت: خداوند او را کشت، امام سجاد(ع) گفت: &#171;الله یتوفی الانفس حین موتها«.

استدلال امام(ع) اشاره به این سخن بوده که آنها برادرش را کشتند و خداوند او را قبض روح کرد. ابن زیاد خواست ایشان را بکشد که با اقدام شجاعانه حضرت زینب(س) از این کار منصرف گردید.

در شام نیز یزید با او سخن گفت و او را مورد سرزنش قرار داد. پس از آن امام(ع) در خطبه‌ای قراء، به معرفی خود و خانواده‌اش برای اهل شام پرداخت. شامیان حاضر در مسجد که تحت تاثیر تبلیغات امویان در غفلت بسر می‌بردند و خاندان پیامبر(ص) را نمی‌شناختند، با خطبه امام سجاد(ع) تا اندازه‌ای متنبه شدند، به همین دلیل در میانه خطبه، یزید از ادامه آن جلوگیری کرد و سپس برای کسب وجهه مردمی، گناه را به گردن ابن زیاد انداخت و با احترام، علی بن حسین(ع) و دیگر اسرای کربلا را راهی مدینه کرد. از نکات مهم در این خطبه این بود که امام سجاد(ع) خود و پدر و خاندانش را فرزندان پیامبر(ص) نامید، در حالی که معاویه و امویان می‌کوشیدند آنها را از ذریه علی(ع) دانسته و اجازه ندهند آنها خود را ذریه پیامبر(ص) بنامند.

به هر ترتیب با توجه به سوابق مناسبات علویان با امویان، امام(ع) مورد سوءظن شدید امویان بود و کوچکترین حرکتی از ناحیه امام(ع)، عواقب وخیمی داشت که طبعاً در نظر امام(ع) ارزش دست زدن به این اقدامات را نداشته است. مهمترین اصل دینی - سیاسی که امام(ع) با استفاده از آن روزگار سیاسی خود را می‌گذراند، "تقیه" بود. سپری که شیعیان در تاریخ، با استفاده از آن، حیات خویش را تضمین کرده و ائمه شیعه بارها توجه بدان را گوشزد کرده‌اند.

البته کسانی که با داشتن آزادی نیازی بدان نداشته‌اند، با وجود صراحتی که در قرآن نسبت بدان وجود دارد آن را انکار کرده‌اند، تا شیعه را تضعیف کنند.

امام سجاد(ع) واقعا در شرایط سختی زندگی می‌کرد و جز تقیه راه دیگری نداشت. اساسا همین تقیه است که موجب حفظ شیعه در آن شرایط می‌شد. چیزی که خوارج به عنوان یک گروه افراطی، از آن بی‌بهره بودند و به همین دلیل ضربه‌های بسیار اساسی و کاری خوردند.

در جمع باید گفت، ملائمت امام(ع) در برخورد با امویان، و تقیه ایشان در مواجهه با مسایل گوناگون سبب شد تا امام(ع) زندگی آزادی در مدینه داشته و کمتر توجه مخالفان را به خود جلب کند و به علاوه بعد علمی امام(ع) در جهت حفظ دین تجلی بیشتری بیابد و تمجیدهای فراوان از امام(ع) که از زبان عالم اهل سنت باقی مانده، شاهد این گفته است. اگر امام(ع) درگیر سیاست شده بود، آنان به خود اجازه نمی‌دادند تا این بعد از شخصیت امام(ع) را توصیف کنند.

بهره‌گیری امام سجاد(ع) از دعا هنگامی که جامعه دچار انحراف شده، روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده و از نظر سیاسی هیچ روزنه‌ای برای تنفس وجود نداشت، امام سجاد(ع) توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. گرچه ظاهرا مقصود اصلی در این دعاها، همان معرفت و عبادت بوده، اما با توجه به تعبیری که وجود دارد، می‌توان گفت که مردم می‌توانستند از لابلای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام سجاد(ع) آشنا شوند.

صحیفه سجادیه مشهور، که اندکی بیش از پنجاه دعا را دربردارد، تنها بخشی از دعاهای امام سجاد(ع) است که گردآوری شده است. در مجموعه‌های دیگری نیز به گردآوری دعاها پرداخته‌اند که تعداد این مجموعه‌ها با صحیفه معروف، به شش عدد رسیده و برخی از آنها حاوی بیش از صد و هشتاد دعا است. دعاهای مزبور نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان اهل سنت نیز وجود داشت و این حاکی از آن است که دعاهای امام سجاد(ع) در جامعه آن روز نفوذ کرده است. در میان ائمه شیعه، امام سجاد(ع) بیشتر از همه به ارائه این‌گونه دعاها شهرت دارد.

اما سجاد(ع) در میان دعاها، با بکارگیری تعبیر &#171صلوات بر محمد و آل محمد&#171؛ &#171محمد و اله الطیبین الطاهرین الاخیار الانجبین&#171 حضرت علی(ع) و فرزندان ایشان را به عنوان اهل و خاندان پیامبر مکرم اسلام معرفی می‌کند و اساسا یکی از علائم دعاها درست همین است و این در زمانی است که حتی قرار دادن نام علی(ع) بر فرزندان تقبیح می‌شد و افراد بدین دلیل مورد تهدید قرار می‌گیرند و کار امویان جز با دشنام دادن به علی(ع) مستقیم نمی‌شود. تکیه امام(ع) در پیوند دادن محمد و آل او، امری است که خداوند آن را ضمن دستور بر صلوات بر رسول آورده و اهمیت زیادی برای بیان عقاید شیعی دارد.

باید دانست که از اقدامات اهل بیت(ع) در دوره‌های مختلف آن بود تا به مردم نشان دهند که اهل بیت رسول خدا(ص) که تا آن اندازه در قرآن و سنت برای آنان حقوق و فضایل آمده چه کسانی هستند. بنی امیه در شام خود را اهل بیت رسول خدا(ص) معرفی می‌کردند.

از مضامین مهم سیاسی - دینی صحیفه امام(ع) زین‌العابدین(ع) طرح مساله امام(ع) است و نیز ایشان اهداف عبادی و فکری و جلوگیری از انحرافات دینی را در آنها دنبال می‌کردند.

گریه امام سجاد(ع) نیز در قالب این دعاها و بندگی و عبادت واقعی امام(ع)، درسی آموزنده برای جامعه فاسد آن روز بود زیرا بنی امیه، اسلام را مورد تمسخر قرار داده بودند. این گریه‌ها برای واقعه دلخراش کربلا نیز بود و امام(ع) می‌فرمودند: &#171یعقوب برای یوسف، با اینکه نمی‌دانست حتما مرده است، آنقدر گریه کرد تا چشمانش سفید گردید. اما من به چشمان خود دیدم که چگونه شانزده تن از اهل بیت(ع) به شهادت رسیدند. چگونه می‌توانم گریه نکنم؟&#171 بدین ترتیب گریه امام(ع) نیز خود به خود موجب گردید تا در موارد زیادی مردم نسبت به واقعه کربلا هشیار شوند. این علاوه بر آن بود که امام(ع) خود وقایع کربلا را در موارد متعدد نقل می‌فرمودند.

امام سجاد(ع) و بردگان از تلاشهای امام(ع)، که هم جنبه دینی داشت و هم سیاسی، توجه به قشری بود که بخصوص از زمان خلیفه دوم به بعد و مخصوصا در عصر امویان، مورد شدیدترین فشارهای اجتماعی بوده و از محرومترین طبقات جامعه اسلامی در قرون اولیه به شمار می‌رفتند. بردگان و کنیزکان، اعم از ایرانی، رومی، مصری و سودانی، متحمل سخت‌ترین کارها شده و از طرف اربابان مورد اهانت‌های شدیدی قرار

می گرفتند.

امام سجاد(ع)، همانند امیرالمؤمنین - صلوات الله علیهما - که با برخورد اسلامی خویش بخشی از موالی عراق را به سمت خویش جذب کرد، کوشید تا حیثیت اجتماعی این قشر را بالا برد. و بدین ترتیب سیره حسنه پیامبر(ص) را، که نزد امویان به نابودی گراییده بود، مجددا احیا کرد.

امام(ع) در حالی که نیازی به بردگان نداشت، آنها را می خرید. این خریدن تنها برای آزاد کردن آنها بود. گفته اند امام(ع) قریب به صد هزار نفر را آزاد ساخت و هیچ برده ای را بیش از یک سال نگه نمی داشت و حتی پس از آزادی، اموالی هم در اختیار آنها می گذاشت. در این مدت آنها از نزدیک با امام سجاد(ع) و شخصیت عظیم علمی و اخلاقی و تقوایی حضرت آشنا می شدند و طبیعی بود که در قلوب بسیاری از آنها علاقه ای نسبت به امام سجاد(ع) و جریانات شیعی به وجود آید.